

چک ۵: آگاهی از روش تفسیری امام حسن و امام حسین 8 به عنوان دو سبط و وارثان علم پد امیر، ما را به سوی استفاده صحیح و روشمند از قرآن رهنمون می‌سازد. این دو امام بزرگوار گرچه در دوران پر آشوبی زندگی می‌کردند، اما هر فرصتی را برای تبیین آیت الهی مغتنم دانستند، به طوری که جمع قابل توجهی از روایات تفسیری آنها در منابع اهل سنت ذکر و بدان استناد شده است.

و کرده استخراج فوق مصادر از را امام دوا این تفسیر روایات ابتدا تحلیلی -توصیفی روش به حاضر مقاله □ □
ضمن روش □ -شناسی و شناسایی منابع مورد استفاده آنها در تفسیر نشان می‌دهد که سبط این در تفسیر قرآن، گاهی از روش □ -های قرآن به قرآن، روایاتی، لغوی و کلامی استفاده نموده □ -اند و زمانی قسمتی از قرآن را به گونه دیگری تبیین کرده □ -اند که استفاده از جری و تطبیق، تبیین مجملات، بهره □ -گیری از اسباب نزول و ... از آن دسته □ -اند.

کل دوازده □ -ها: روش گرامر؛ امام حسن 7؛ امام حسین 7؛ روایات تفسیری.

□

□

□

درآمد

بیت اهل بیت ره با آشنایی اسلامی و الهامی تعالیم به رسدین راه □ □ : است و شناخت روش آنان جز با آگاهی از گفتارشان به ویژه در تفسیر قرآن، همسر نیست. زیرا به دلیل غیر مستند بودن دسته □ -ای روایات تفسیری (سیوطی، بی □ -تا، 4/180؛ علوی مهر، 1381، ص 99) و گمان آور بودن برخی دیگر (رستمی، 1380، صص 33-34) کارایی آنها منحصر در روش تفسیر و شیوه برداشت از قرآن می □ -باشد که بیشتر نقش آموزشی و تربیتی دارد. (طباطبایی، 1393، 95/3؛ معرفت، 1385، 1/451)

حسن امام و حسن امام، اظهار ائمه این در □ □ 8 در عصری زستند که فتنه □ -های حق □ -نما و دوروی جای حق و حقیقت را گرفته بود، با این وجود سبط این به عنوان وارث علم پد امیر هر فرصتی را مغتنم دانسته و به تبیین آیت

المهی پرداختند. تبلور کلام دلنشین آن دور حانه رسول خدا، مهبط وحی و معدن علم الهی و سلاله نبی در مصادر اهل سنت، ضرورت پرداختن به موضوع مورد نظر را دو چندان می‌نماید، زیرا آگاهی از روش آنان کمک شایسته‌ای به فهم قرآن و شواهد الهی تفسیر روشمند آن داشته و نکته سنجی و ثقل بودن اهل بیت را بر همگان می‌نماید. نیز نشان می‌دهد که قرآن اگر به تنهایی مبنای فهم قرار گیرد، آسیب‌های فراوانی را در بر دارد که دچار شدن در ورطه خوارج، گونه افراطی آن است. ضمن این که ثقل بودن اهل بیت و رسالت عظیم تبیین قرآن توسط عترت نیز، این مسأله را رد می‌کند و با محل رجوع بودن اهل بیت و حدیث ثقلین نیز منافات تام دارد.

1. روش قرآن به قرآن

آن، شود تفسیر آن از استعانت و کمک به ای-آ هر که است آن قرآن به قرآن تفسیر از مقصود آن شواهد همزمان با نزول آن آغاز شده و تا کنون ادامه یافته است. (مودب، 1380، 174-173) برخی شرف‌تر و بهتر انواع تفسیر را استفاده از خود قرآن می‌دانند. (علوی مهر، 1381، ص 68؛ مودب، 1380، ص 168؛ ابن تیمیّه، 1392، ص 93) و برخی آن نوع تفسیر را شواهد مورد قبول قرآن و ائمه می‌دانند. (طباطبایی، 1392، ق 1/19)

حسن آن که ویژه‌های اسلوب از کی-8 برای آشکار نمودن معانی و کشف حقایق به کار برده‌اند روش قرآن به قرآن می‌باشد.

حسن امام از مردود این از جر این را این 7 روا می‌کنند که شخصی از ایشان پرسید: مراد از شاهد و مشهود در سخن خداوند چیست؟ امام فرمود: آن را از شخص دیگری پرسید ده-آ؟ گفت: بله، از این عمر و این زبیر، آنها گفته‌اند مراد از شاهد، روز عید قربان و مشهود، روز جمعه است، امام فرمود: خیر، «شاهد» محمد

6

است، به دلایل قول خداوند «جَنَابِكِ عَلِيٍّ هَوْلَاءُ شَهْدَاءُ» [نساء/41] و «مشهود» روز قیامت است به دلایل سخن خداوند «ذَلِكَ وَمِنْ مَجْمُوعِ لِهَ الْمَنَاسِ وَ ذَلِكُ وَمِنْ مَشْهُودِ». [هود/103] (آلوسی، بی-تا، 30/86؛ المشوکانی، بی-تا، 504/5؛ المطبری، 1406، ق 30/130؛ ابن عطیه، 1992، م 5/400؛ ابن کثیر، 1403، ق 7/254)

محمد حضرت بودن شاهد در حسن امام ولی، است شده نقل شکل هم به روایت «الممنتور در» تفسیر در این 6 حدیث آن (8/464، 1403، ق 8/464، المسوطی). کند-می استدلال (45/احزاب) «مبشرا و شاهدها ارسلناک اننا» آیه به از زبان امام حسن

7

هم نقل شده است.

و «شاهدها ارسلناک اننا» آیه دلایل به است قیامت روز مشهود و خداست رسول جدم، شاهد فرمودند ایشان آن (19/284، 1405، ق 12/15؛ المطبری، 1406، م 5/504؛ بی-تا، المشوکانی) (103/هود). «مشهود و ذلک»

حسن امام حدیث المبتدیه 7 در منابع شریعه هم مذکور است: (ر. ک: مجلسی، 1403ق، 86/263)

رای- آ 4 اجمال، آ امت نهادن هم کنار با تواند- می معصوم امام که دهد- می نشان روا امت گونه 1 ن 2
برطرف سازد، ز را آنها عدل قرآن هستند. اما 1 ن ویژگی از اختصاصات اهل بیت است و کسی می- تواند 1 ن چند ن
برداشت نماید که از چشمه سار زلال آنها نوش ده باشد. در غ 1 ن صورت ممکن است با کنار هم گذاشتن برخی آ امت
به شیوه نادرست، به بیراهه رود.

2. روش تفسیر روا می (قرآن به سنت)

شود- می اد اثری گاه و نقلی، روا می تفسیر عنوان با، معصومان از رس ده روا امت پرتو در قرآن تفسیر از 2
(سبحانی، بی- تا، 153، س فی 1368، 108) در تفسیر کلام خداوند پس از قرآن کریم، سنت از جا نگاه خاصی
برخوردار است. ز را پ امبر 6 بش از هر فرد دیگر به تفصیل مجمل و در این مشکلات کتاب خداوند آگاه است.
(المشاطی، 1395ق، 4/4؛ مودب، 1380، 182)

معصوم تقریر و فعل، قول عنوان به «سنت» 2، امام 4 شریعه د نگاه از 7 نقش اساسی در فهم و تفسیر قرآن دارد و
1 ن بزرگواران حدیث خود را سخن جدشان رسول خدا دانسته- اند. (الملکانی، 1361، 1/5؛ المجلسی 1358، 2/178؛
ازبلی، 1381ق، 2/170) از 1 ن رو برخی عالمان شریعه بر 1 ن باورند که تفسیر قرآن، جز با حدیث صحیح پ امبر
6

و اهل بیت جا ز سنت (المطوسی، 1409ق، 1/4؛ مودب، 1386، ص 93) در روا امت ماثور سبط ن از رسول خدا،
گونه- های مختلف تبیین آیات قابل مشاهده است.

3. تفسیر واژه- ای

امام دو 1 ن تفسیر روا امت از شماری 8 به شکلی است که در تبیین آ امت، تنها یک واژه ابرخی از واژگان
آ 4 را معنی نموده است. 1 ن روش غالباً در مواردی بکار رفته که ظاهر آ 4، روشن به نظر آمده و گو می مخاطب ن از
به توضیح بیشتر ندارد. (رستمی، 1380، 190)

3-1. در این مصداقی

حسن بن علی - واژه تبین‌های - شوه از یکی 8 در این مصداقی است که در آن ابن دو امام همام، مصداق کلمه را به این می‌کنند. به عنوان نمونه: ضمن حدیثی مصداق کامل «اقتضای حسنه» در آیه «من قترف حسنه نزد له فیها حسنا» (شوری / 23) را مودت اهل بیت می‌دانند (حاکم ز شایبوری، 1342، 3/172؛ ابن حجر المہتمی، بی‌تا، 136؛ محب طبری، بی‌تا، 183؛ خرگوشی، 1361ش، 169؛ سبط ابن جوزی، بی‌تا، ص 1/183؛ المشراوی، ص 43؛ المکنجی المشافعی، 1404ق، ص 92، 93، المقندوزی، 1422ق 2/454)

3-2. به این توصیفی و توضیحی

نمونه عنوان به پردازد - می‌واژه توضیح ا توصیف به معصوم، شوه این در

ذیل «تعارفون به نهم» (ونس / 45) امام حسن 7 فرمود: مرد همنشین خود را در کنارش (روز قامت) می‌شناسد، اما نمی‌تواند با او سخن بگوید. (المسوطی، 1403ق 4/364)

3-3. به این ظاهری

است نفس را همراه واژه از معصوم توضیح آن در که نام دهم نفس ری به این توان - می‌را قسم این

حسن امام که آمده «(90/نمل) «الاحسان و بالعدل امر الله ان» آیه ذیل 7 آیه را خواند، سپس فرمود: خداوند عزوجل برای شما تمام خیر و تمام شر را در یک آیه جمع نموده است، عدل و احسان در راه طاعت خدا را ترک نکرد مگر آنکه [در این آیه] آن را جمع نمود و بدان امر کرد. فحشا و منکر و بغی در راه معصیت خدا را وانگذاشت مگر آنکه خداوند آن را [در آیه] جمع نموده، به حساب آورد و از معصیت و منکر به زاری جست. (وهبه المیزج لمی، 1991م، 14/217)

4. روش عقلی - کلامی

سنن ح 8 در پاره - ای موارد - به ویژه آیه امت مربوط به عقاید و دفاع از حقوق اهل بیت - از شوه کلامی بهره برده - اند. مهمترین وجه کلامی این دو امام را می‌توان در احتجاج به آیه قرآن در اثبات حقانیت اهل بیت :
و به این فرازمندی جا نگاه عبرت جستجو کرد.

4-1. خطبه امام حسن پس از شهادت ام‌المؤمنین علی 7

حسن امام 7 پس از شهادت پدر بزرگوارش خطبه خواند [در برخی رواات، آ 4] «واتبعته مله آبائی ابراهیم و اسحاق» را خواند و پس از حمد و ثنای خدا و ذکر علی 7 به عنوان خاتم اوصیاء و وصی پسر و شهداء فرمود: در آن شب مردی از من شما مفارقت کرد که پیشینیان بر او سبقت نگرفته‌اند و پسینیان او را درک نکرده‌اند، رسول‌الله او می‌سپرد و می‌جنگد در حالی که جبرئیل در سمت راست او و میکائیل در سمت چپ او بود، بر نمی‌گشت تا آنکه پسر روز می‌شد و بر روی زخم چو زنی جز هفتصد درهم باقی نگذاشت که آنهم قصد داشت خادمی برای خانواده‌اش بخرد.

حسن امام که آنجا تا یابد - می‌ادامه حدیث 7 خطاب به مردم فرمود: ای مردم! آنکه مرا می‌شناسد، می‌شناسد و آنکه مرا نمی‌شناسد، بداند من، فرزند علی و فرزند پسر عم، من پسر آن کسی هستم که مردم را به رحمت خدا مؤده داد و از کیفر خدا هشدار داد. من فرزند کسی هستم که مردم را به فرمان خدا فرا خواند، من فرزند چراغ نورانی راه خدا، من از خاندانی هستم که «جبرئیل» به سوی ما نازل شد و از نزد ما، به سوی خدا، صعود می‌کرد، من از خاندانی هستم که خدای متعالی ما را از هرگونه پلیدی پاک و پاک زه گرداند، من از خاندانی هستم که خدای تعالی دوستی ما را بر مسلمانان واجب گرداند، و خطاب به پسر عم برش

فرمود [«قل لا اسئلكم عله اجرا الا المودة فی القربی» و فرمود: «و من اقتترف حسنه نزد له فها حسنا»] [شوری، آ 4] مراد از «اقتراف حسنه» (دست آوردن حسنه)، دوستی ما اهل بیت است، که اگر کسی دست به دامن محبت ما دراز کند، خدای تعالی به بهره‌وری بیشتر او می‌پرازد، و او را از هر چو زی که پسند ده است، برخوردار می‌گرداند. (ه شمی، 1417، 9/149؛ سوطی، 1403 ق، 1/457 و 2/226؛ متقی هندی، 1405 ق، 6/412؛ حاکم نسابوری، 1342، 172/3؛ قندوزی حنفی، 1422، 1/423؛ ابن حجر المہتمی، بی‌تا، ص 136، خرگوشی، 1361، ص 169؛ سبط ابن جوزی، بی‌تا، 1/183؛ المشراوی، 1363 ق، 1363 ق، ص 43؛ الکنجی المشافعی، 1404 ق، ص 92؛ محب‌الدین المطبری، بی‌تا، ص 183) حاکم در ادامه می‌گوید: اتفاق دارم که مراد آ 4 نزد مکان آل محمد هستند.

4-2. خطبه امام حسن 7 پس از اصابت خنجر

حسن امام که شده رواات 7 پس از شهادت امام علی 7 به خلافت رسید. یکی از روزها هنگامی که نماز می‌خواند شخصی به او حمله کرد و خنجری به ران آن حضرت فرو برد و امام مدت چند ماه بستری بود، پس از آن برخاست و بر منبر خطبه خواند و فرمود: ای اهل کوفه، از خداوند در حق ما پروا کند ز را ما امه ران و ما همانان شمائیم، و ما همان خاندانی هستیم که خداوند در حقشان فرمود: «انما رد الله لذهب عنکم المرجس اهل البیت» راوی می‌گوید: تا آن روز مردم را آن قدر گرانند ده بودیم. (ه شمی، 1417، 9/172؛ ابن کثیر، 1403، 2/486؛ حسانکی، 1393، 2/19-18؛ المہتمی، بی‌تا، 139)

3-4. خطبه امام حسن 7 پس از صلح با معاویة

مجتبی امام 7 می‌فرماید: «من این کار را برای اصلاح امور مسلمین و حفظ خون آنها انجام دادم و گریچه می‌دانم این آزمایشی است برای شما»، آنگاه ادامه می‌دهد:

نگاه را شما خون‌دگری سبب به و فرموده‌ام تا ما فرد نخستین واسطه به را شما، خداوند که بداند مردم ای 7 داشت. این دنیا روزگاری چند و مدتی دارد. خداوند تبارک و تعالی به رسولش فرمود: و نمی‌دانم آن نزد تک است و این دور آنچه به شما وعده داده‌اند، خداوند آنچه را بلند می‌گوید و آنچه را آهسته آهسته می‌گوید می‌گوید. (انباء/110-111) و شما این بر خورداری همه روزگار باشد. از خداوند فرمود: بر انسان روزگاری گذشت که چنانچه قابل ذکر نبود، (انسان/1) یعنی همه روزگار. از خداوند فرمود که درخت در تمام زمانها به اذن خداوند می‌دهد؛ (ابراهیم/25) مراد درخت خرماس است، از جهت زمانی که می‌دهد تا زمانی که خالی از میوه می‌شود. از خداوند می‌فرماید: او را (وسف) تا مدتی مشخص در زندان افکندند. (وسف/35) (المسوطی، 1403، 5/688)

داده فرصت انسان به که مدتی چه اوست؛ محضر در و خدا اذن به زمانها این تمام که بفرماید خواهد می‌امام 7 می‌شود. که شما در اعمال خودش بنگرد و درس بگیرد و شما این فرصت تک عمر طول کشد. زمانی که انسان هنوز پا به عرصه وجود نگذاشته بود این زمان هم در اختیار خدا بود. درختها نیز به اذن خداوند می‌دهند و به اذن او خشک می‌شوند و مدت زندانی ظاهری و سف هم به اذن خدا و زمان آن در حیطه قدرت او بود.

و احتجاج (35/وسف) و (25/ابراهیم)، (1/دهر)، (111/انباء)، آیت به مردم آگاهی برای امام، روایت این در 7 استدلال می‌نماید.

4-4. احتجاج امام حسن و امام حسین 8 به آیه تطهر

حسن و حسین امام به حکم بن مروان روزی که نموده روایت حدیثی از سعد ابن 7 گفت: اهل بیت ملعون هستند. امام حسین

او گفت: ای ملعون و پسر ملعون! رسول خدا
6

بدرت را در حالی که تو در صلب او بودی، لعن نموده است، در حالی که ما خاندانی هستیم که هرگونه رجس و پلیدی از ما دور شده و پاک و طاهر گشته‌ایم. (سیط ابن جوزی، بی‌تا، 2/127؛ ابن سعد، بی‌تا ص 35؛ ذهبی، 1409ق، ص 232 و ف ات سال 61-90 و ص 366 و ف ات سال 31) این حدیث از امام حسن

نیز نقل شده است. (ابن سعد، همان؛ ابن حجر عسقلانی، بی‌تا، 4/329)

□

4-5. احتجاج امام حسن بن 7 به آ 4 مودت

حسن بن امام □ □ 7 ضمن حدیثی می‌فرماید: قرابتی که خداوند حق آنها را تعظیم نموده و امر به رعایت حقوق آنها نموده است و اجر رسالت پد امیر را محبت به آنها قرار داده، قرابت ما اهل بیت است. (حسکانی، 1393، 2/144)

به نقل از کی عنوان به را خود جا نگاه، متعدد آیت به احتجاج با سبط بن که گردید مشخص به این با □ □ مردم ادآور می‌شدند؛ بدان امید که عده □ ای یادآور شوند و این در قرآنت دستگیر آنها باشد؛ آن چنان که امام حسن فرمود: «هر کس ما را به خاطر خدا دوست بدارد خداوند او را در سال □ ای گسترده داخل کند روزی که هیچ سال □ ای نیست. هر کس ما را به خاطر خودمان دوست بدارد خداوند او را کفالت می‌کند. و هر کس برای دنیا ما را دوست بدارد، خداوند روزی □ اش را از جای که گمان نمی‌کند ارزانی می‌دارد.» (ابن صباغ، بی‌تا، ص 188؛ المشبلنجی، بی‌تا، ص 189؛ المزیندی، بی‌تا، ص 103) در حدیث دیگری امام می‌فرماید: «□... انگشت دوا بن مثل بود خواهد ما همنشین قرآنت روز در بدارد دوست خدا خاطر به را ما کس هر» □

5. گونه‌های دیگری

نمودند □ می‌تیین را قرآن دیگری های □ شیوه به سبطین، موارد برخی در □ □

5-1. استفاده از جری و تطبیق در تفسیر

که است تعبیری معنای بن به ری ج (2/30، 1375، قرشی). داشتن جر این و شدن روان یعنی لغت در «□ ری ج» □ □ خود ائمه برای به این استمرار قرآن در همه زمان □ ها به کار برده □ اند (ر. ک: مجلسی، 1404 ق، 23/79) و مراد از آن انطباق الفاظ و آیت قرآن بر مصادیقی است که از آنچه درباره آنها نازل شده است. (طباطبایی، 1417، 1/44، م ر باقری، 1380، ص 236)

پد امیر بر کرم قرآن از بس ازی آت و الفاظ، روا ات در 6 و ائمه: و مخالفان آنها انطباق افته است.
ادله ای که می توانند امر جری و تطبیق در روا ات تفسیری را تأیید نماید، متعدّدند. پاره ای از آنها خود
اخبار جری می باشند. (شاکر، 1376، 149)

است مشاهده قابل مختلفی های گونه به سبط ن کلام در ش و ا ن

5-1-1. مصادق «آتَم»

ترجام و کاملتر بقه از مصادق از کی اما است متعدّدی مصادق پذیرای آن از قسمتی او آه ک گاه
است که آن را مصادق «اتم و اکمل» می نامند. به عنوان نمونه ذیل آه «نزعنا فی صدورهم من غل»
(اعراف/43) از امام حسن 7 روا ات شده که ا شان آه را فقط در مورد اهل بدر دانسته اند. (ابن عطاه، 1992م،
401/2؛ حسانی، 1393، 1/201؛ قندوزی حنفی، 1422ق، 1/309)

حسن امام دگر بانی در 7 آه «مثل الذین نفقون اموالهم فی سبیل اللّه کمثل حبه انبتت سبع سنابل...»
(بقره/261) را درباره کسانی جاری دانسته اند که با رسول خدا بعت نموده و هجرت کنند، و کاری انجام ندهند مگر
به اذن رسول خدا، که در این صورت هر حسنة آنها هفتصد برابر بلکه بیشتر می شود. (سوطی، 1403، 2/27)

5-1-2. مصادق عام

را آنها از کی امام و باشند می کسان رتبه حث از که است متعدّدی مصادق پذیرای آه، موارد برخی در
ب این می کند. تطبیق آه «کلاب ران علی قلوبهم ما کانوا کسبون» (مطفف ن/14) بر «حبه ب بن سلمه»
خواندنی است.

علی بن حسن: گفت که کرده روا ات المعبدی قس بن اسود از سعد ابن 7 را دیم که به حبه ب بن سلمه
فرمود: ای حبه ب چه بس اراه های که تو می روی و در غر طاعت خداست. گفت: ولی من در راه پدر تو هستم
نبا دین گونه باشد. امام گفت: بله، اما تو معاوه را اطاعت می کنی آنها برای متاع کم و فانی دنیا، اگر او همراه تو
برای دنیا مت گام بردارد تو را از آخرت باز می دارد، و اگر شری انجام دهی، می گویند: این کار خراب است. و
این است سخن خدای تعالی که فرمود «عمل صالح را با غر صالح درهم آمیزند»، اما تو مصادق این آه هستی:
کسب را آن که سازند می جاری را چه زهای قلبها شان در». «کسبون کانوا ما قلوبهم علی ران بل کلا»
نکرده اند» (اعراف/14) (سوطی، 1403، 4/280؛ آلوسی، بی تا، 11/13) (کناه از اینکه ادعا می کنی بر دوستی
امیرالمؤمنین
چنین نیست)

حسن امام از دگر حدیث در 77 وارد شده که اشان در بیان مصداق «نعمت» در آیه «و اما بنعمت ربک فحدث» (ضحی/11) فرمود: آنچه از خیر انجام داده‌ای. (المشوکانی، بی‌تا، 5/561) قرطبی حدیث را از امام، این گونه نقل می‌کند: «المرجل المؤمن عمل عملاً صالحاً فخبیر به اهل بیته» (1405ق، 20/102)

حسن امام 77 در حدیثی دیگر، جز این تسلط معاویه بر مردم را مصداق «فتنه» در آیه «وان ادری لعله فتنه لکم و متاع الی حدین» (اسراء/60) دانسته‌اند. (قرطبی، 1405، 10/283؛ آلوسی، بی‌تا، 28/116)

3-1-5. مصداق خاص

مصداق‌هایی بر فقط آیه که جای دارند، می‌باشند؛ این را آیه خاص مصداق از یکی امام، به این گونه این در 77 خاص قابل انطباق است. به عنوان نمونه:

حسن امام از قس بن سلیم (100/توبه) «الماولون السابقون» ذیل 77 نقل می‌کند که ابو حمد و ثنای خداوند را گفت و فرمود: خداوند می‌فرماید: «المسابقون الماولون» همچنانکه سبقت‌گزارندگان بر دگران بخاطر سبقت خود برتری دارند، علی برتری دارد. (حسکانی، 1393، 1/256)

حسن امام، به این این در 77 محسوب‌اند؛ این را از مصداق خاص «المسابقون الماولون» دانسته‌اند.

2-5. تفسیر از راه شرح جز این تاریخ

ای- قصه بیشتر تبیین برای امام است که است تاریخ جز این شرح راه از امام تفسیر، مواردی-پاره در 77 تاریخ را به این می‌دانند. به عنوان نمونه: ذیل آیه «الاجیبی خذ المکتاب بقوة» (مريم/12) در چگونگی برخورد حضرت عیسی با سلطان زمان خودش، از امام حسن 77 روایت شده که در زمان حضرت عیسی پادشاهی فوت کرد و همسرش و دخترش باقی ماندند، برادرش بر تخت پادشاهی نشست و خواست با دختر برادرش ازدواج کند، از عیسی پرسید و او گفت: این بنی است و این کار را نکن، پس خبر به زن رسید و گفت: ای عیسی را بکش او را از کشورت تبعید کن؛ مرد چون خواست با او ازدواج کند، گفت: هرچه خواهی به تو می‌دهم. گفت من چیزی جز سر عیسی نمی‌خواهم، او هم این کار را انجام داد و عیسی را به قتل رساند. (سوطی، 1403ق، 5/491)

سجاد امام مبارک زبان از سه وطی را روات این 7 از امام حس ن 7 نقل می‌کند.

3-5. نفس را از راه تب ن مجمل

سبط ن نفس رهای -گونه از د نگر کی 7 تب ن اجمال آت و کلمات قرآن است. برای اجمال آت اسبابی چند را بر می‌شمرند. (س وطی، بی‌تا، 59-3/60)

ها ی -گوشه به که است افته تبلور فعلی و قولی گونه دو به، همام امام دو ا ن کلام در مجملات تب ن روش 7 اشاره می‌کند.

الف: تب ن عملی

حس ن امام از مثال عنوان به. نما نند -می تب ن را مجمل لفظ خوش عمل با امام گاه 7 ذ ل آ ه «ان ناشئه الملائه اشد و طاء» (المزمع 6/6) روا ت شده: «صلی ف ما ب ن المغرب و العشاء، فق ل له فی ذلک، فقال: انها من المناشئه» (س وطی، 1403، 8/317) امام ب ن نماز مغرب و عشاء نماز خواندند، گفته شد: ا ن چه بود؟ فرمودند: ا ن از باشد -می عشا و مغرب ب ن مستحبی نماز «الملائه ناشئه» از مقصود ا نکه معنی است «ناشئه»

المعابد ن ز ن امام از فعلی و قولی گونه دو به حد ث ا ن 7 روا ت شده. (ر.ک: آلوسی، بی‌تا، 29/105؛ قرطبی، 1405، 19/40)

ب: تب ن قولی

1. برطرف نمودن غرابت لفظ

غز ب برخی برای که است شکلی به ا، نداشته قبلی سابقه واژگانی از قرآن استفاده موارد ای -پاره در 7 می‌نما اند. کی از روش -های تب ن امام حسن و حس ن 8 تب ن ا ن گونه آت است. به عنوان نمونه: معنی دو اصطلاح «ادبار المسجود» و «ادبار المنجوم» در ابتدا روشن ن ست، اما از امام حسن

7

1405، قرطبی). است صبح نماز از قبل رکعت دو «المنجوم ادبار» و مغرب نماز از پس رکعت دو «المسجود ادبار»: (17/25)

علی بن حسن و طالب - ابی بن علی (امام) از حدیث ابن: افزا - می ادامه در قرطبی 8 روا مت شده؛ وگرچه شده نقل بیشتر که است همان تر - صحیح اما، باشد نمازی هر از پس مستحبی نماز رسد - می نظر به «المسجود ادبار»
عنی روا مت علی و حسن

8

2. برطرف نمودن اشتراک لفظ

موسی قاضی فلما آ 4 در: نمونه عنوان به. است آن اشتراک نمودن برطرف، مجمل لفظ تب ن د گرگونه 8
الماجل (قصص/29) معلوم نیست مراد کدام «اجل» است، هشت سال اده سالاً! ز را در آ 4 27 هم ن سوره به هر
دو مدت اشاره شده است «... علی ان تاجرنی ثمانی حجج فان انتهت عشرأ فمّن عندک ...»: به ا ن شرط که هشت
سال برای من کار کنی و اگر ده سال تمام گردانی اختار با توست.

است نموده نقل طالب - ابی بن علی بن حسن از مقسم را ا ن ز را، است دوم مهلت مراد: گو - می آلوسی 8
(بی - تا، 2/71) المبتدئ و طی روا مت را از امام حسن و امام حسن ن 8 (6/410) نقل می - کند.

در قریش صنادید که است روزی «المفرقان ووم» از مراد که نیست شکی: گو - می عط 4 ابن: د گر نمونه 8
جنگ بدر کشته شدند، و بر ا ن سخن نصی از حسن بن علی 7 و ابن عباس و ... گواهی است (2/532 م، 1992) «عن
المحسن بن علی رضی الله قال کانت له المفرقان ووم المتقی المجمعان سبع عشره مضت من رمضان.» (س و طی 1403،
4/72)

حسن امام ب ا ن با 7 مشخص می - نماید که مقصود از « ووم المفرقان» در آ 4 42 سوره انفال، روز جنگ
بدر و هفدهم رمضان است.

4-5. تفاسیر از راه ب ا ن اسباب نزول

قرآن آیت از برخی) است شده صادر آن در کلام که است شرا طی به توجه، مقصود و معنا فهم راههای از کی 8

در زمان و مکان خاص و به علت و سببی نازل شده‌اند که آن را «سبب نزول» می‌نامیم. (زرقانی، 1988م، 107)

سبب ن تفسیر های -گونه از د گری کی، آ ه نزول سبب به دادن به ن ت 8 است که نمونه های را می‌آوریم.

حسن امام از (118/توبه) «رحبت بما الماریض علیهم ضاقت اذا حتی خلفوا المذنب الملائنه علی و» آ ه ذ ل 7 در مورد نزول آ ه روا ت مفصلی وارد شده که خلاصه آن چنین است.

حسن امام از المشیخ ابو و حاتم ابی ابن و منذر ابن 7 روا ت کرده‌اند: آ ه در باره سه نفری است که از جهاد با رسول خدا سر باز زدند، به نام کعب بن مالک، هلال بن امیه و مراره بن الربیع. هر کدام برای آن امر بهانه‌ای آوردند، سپس از آن امر پشیمان شدند، از زن و فرزند جدا شدند و به مکان دوری رفتند. آن جا هم از کدگر جدا شدند و شروع به انابه و توبه نمودند؛ بالآخره توبه آنها پذیرفته شد و آن آیت نازل گردید. (المسوطی، 1403ق، 2/205)

حسن امام از 7 روا ت شده که آ ه: «ان کن منکم عشرون صابرون غلبوا مائة من» (انفال/66) درباره اصحاب بدر نازل شد و سپس رخصت داده شد. (المسوطی، 1403ق، 4/103)

5-5. تبیین آیت الماحکام

فقهی مسائل در این آیه قرآنی از فقهی استفاده، هم‌امام امام دو آیه ن تفسیر های -روش از د گری گونه 8 در پرامون آنهاست. این شوه به دو گونه قابل مشاهده است.

الف: استفاده فقهی از کلام امام

نمونه عنوان به ناما -د فقهی استفاده آن از امام کلام نقل از پس مفسر، شوه این در 8 در

النبی عن علی بن المحسن بن عن «قال: امان لامتی من المغرب اذا رکبوا فی الفلک» بسم الله الرحمن الرحیم و ما قدروا الله حق قدره و الماریض جمعا قبضته و الملقاه و المسموات مطوأت به منه. سبحانه و تعالی عما شرکون»

بسم الله مجر بها و مرساها ان ربي لغفور رحيم. (قرطبي، 1405، 9/37، 15/277؛ المشوكاني، بی-قا، 2/569)

آ 4 ن در فعلك كل ابتداء عند المسملة ذكر علي دل ل الما ه هذه في و: گو د- می حد ث ا ن ذ ل قرطبي □ □
دل می است بر ا ن که ابتدای هر کاری با د □ «بسم الله الرحمن الرحيم □» گفت. (قرطبي، 1405ق، 9/37، 15/277)

امام عمل به، است حمام در انسان که هنگامی حتی پوشش است. حجاب بحث در احزاب سوره 59 آ 4 ذ ل قرطبي □ □
حسن 7 استناد می □- کند □ «و عن عبدالمعالي ان الحسن بن علي دخل غد را و علا ه برداً له متوشحا به. فلما خرج ق ل له،
قال: انما تسترتم ممن راني و لا اراه عني من ربي و الملائكة □» (1405ق، 14/252) از عبدالمعالي روا ت شده که حسن
بن علي 7 وارد آنگ ری شد و بُردی همراهش بود که به وس ل ه آن خودش را پوش ده بود، چون خارج شد در
مورد این کار، از او پرسیدند. امام گفت: خودم را از کسانی پوشاندم که من را می □- ب نند و من آنها را نمی □- ب نم و
من آنها را نمی □- ب نم، معنی خدا و ملائکه. ا ن نها ت حجب و ح ای امام است.

حسن بن امام و حسن امام که شده نقل د مگری روا ت در □ □ 8 ه بیچ گاه همسران پ امیر را بدون پوشش ند دند.
(12/232، همان) «□. المومنون امهات ر ن لا کانا انهما عنهما الله رضی المحسن و المحسن عن اسماء ل المقاضی ذکر» □
ا ن نشان دهنده اوج محافظت بر نگاه است.

حسن امام عمل به هم متعه مقدار در □ □ 7 استشهاد شده است:

بنغوی) «□ مفارق حب ب من قل ل متاع: فقالت. درهم آلف بعشره له امرأة عنه الله رضی علی بن المحسن متع» □ □ □
1414، 1/162؛ ابن عط 4 1992م، 1/319؛ المشوكاني، بی-قا، 1/292؛ وهبه المزح لمی، 1991م، 2/388)

ذ ل آ 4 □ «لا جناح علکم ان طلقتم النساء ما لم تمسوهن او تفرضوا لهن فر ضه و متعهن علی الموسع قدره و علی
المقتر قدره متاعا بالمعروف حقا علی المحسن ن □» از امام حسن روا ت شده که ا شان همسری را به ده هزار درهم متعه
نمود. در نفس ر معالم المتنز ل اضافه می □- کند: متاعی اندک از دوستی که جدا شده. (1/162) در □ «محرر الموج ز □»
می □- گو د به ب ست هزار و ظرفی غسل (1/319) و قرطبی هم ا ن حد ث را می □- آورد. (1405، 3/202)

حسن بن امام جر ان (91/ نحل) ذ ل، مظلوم حق احقاق بحث در قرطبی □ □ 7 را نقل می □- کند که ا شان خطاب
به ول د بن عقبه که حاکم مد نه بود، فرمود: قسم به خدا شمش رم را می □- گ رم و در مسجد رسول خدا می □- نش نم و
جوانمردان را فرا می □- خوانم ... چون خبر به ول د رس د انصاف را در حق امام رع ا ت کرد، صاحب □ «الجامع لاحکام
المقرآن □» در ادامه می □- گو د: □ «ا ن عمل نشان می □- دهد که گرفتن حق مظلوم در اصل شر عت واجب است.
(قرطبی، 1405، 10/168)

حسن امام از آلوسی [7] یاد می‌کند که هنگام نماز بهتر بن لباسهاش را می‌پوشد و می‌گفت «خداوند
زنتکم عند کل مسجد.» [آنگاه می‌افزاید: این کار حمل بر وجوب نمی‌شود. (آلوسی، بی‌تا، 8/109)]

ب: کلام فقهی امام حسن و حسن 8

نمونه عنوان به است فقهی ای - نکته حاوی، ای - آ 4 ذ ل، امام سخن که است مواردی مقصود []

حسن امام از [7] روا مت شده که مضمضه و استنشاق آب، قبل از وضو مستحب است. (ابن کثیر، 1403ق، 2/509)

حسن امام از (69/انعام) «... لتهدوا المنجوم لكم جعل المذی هو» [آ 4 ذ ل س و طی [7] روا مت می‌کند: چون
خداوند خبر را برای رسول خدا فتح نمود، حضرت [] [] [] [] تک 4 - گاهی خواست و بر آن تک 4 کرد، خدای را
حمد گفت و از فتح خدا برای رسولش و اری خدا گفت و سپس از چند چیز نهی کرد: مهر با بغی، بهای سگ، خوردن
گوشت الماغ اهلی، ضرب سکه طلا با طلا با ز ادتی و نقره با نقره و نگاه کردن به ستارگان [به قصد طالع بینی]. (1403،
3/331) []

5-6. تفسیر از راه به این مسائل اخلاقی

کلام نَمَبی که هم عزیمت کلام است نکته هم بن حاوی اول درجه در هم آن فرازهای و است هدایت کتاب قرآن []
المهی است، در گام نخست متوجه هم بن هدف و الماست. از این رو به این مسائل اخلاقی، هدایتی، تربیتی از سوی سبط بن
8
در ضمن آیت قرآن برای ذیل به این هدف به اشکال گوناگونی بروز می‌کند.

الف - هدایت عملی

تجلی ظرف و قرآن به عامل خود فرد اگر ز را است المهی آیت به عمل، اخلاق عدب اثرگذارتر بن و مهمتر بن []
آیت آن در گفتار، رفتار و اعمالش باشد، بیشتر بن اثرگذاری را خواهد داشت. این مقوله به وضوح در عمل سبط بن 8
قابل مشاهده است، به عنوان نمونه:

1. عصام بن مطلق می‌گوید: داخل مدینه شدم. حسن بن علی 7 را دیدم راه رفتن، کردار و اعمالش مرا به اعجاب واداشت. حسد و بغضی که نسبت به پدرش داشتم در سرم شعله ور شد، گفتم: تو فرزند علی بن ابی طالب هستی؟ گفت: بله، من او و پدرش را بیشتر ناسزا گفتم، او با نگاهی همراه عطف و مهربانی به من نگرست «و گفت: اعوذ بالله... پناه می‌برم به خدا از شرش. طمان رانده شده، به نام خداوند بخشا نده بخشا شکر» «خذ المعفو و امر بالمعروف و اعرض عن المجاهل بن» «فقرأ الی قوله: «فاذاهم مبصرون»» «عفو کن و به» «ذکی امر نما» «و از جاهل بن اعراض کن» «و آه را خواند تا رسید به» «سپس آنگاه بنامش خواند» «سپس به من گفت: از تو درگذشتم، برای خودم و تو استغفار نمودم، اگر کمکی از ما می‌خواهی از دست دهیم، اگر حماقت و پستی بانی می‌خواهی، حماقت کنیم، اگر راهنمایی می‌خواهی راهنمایی کنیم، از آنچه در حق ما روا داشتی پشیمان می‌شوی. آنگاه امام گفت: سرزندی بر شما نیست، خداوند شما را می‌بخشد و او بخشنده مهربان است.

[شخصی نام] شناسم - می‌آخزم از که است عادتت این «شنشنه» فرمود امام. بله گفتم هستی؟ شام اهل از تو آید که عاقبت پدرش شده بود و این عبارت ضرب المثل گردد [ظاهراً مراد امام این است که عادت مردم آن در است و بر تو گناهی نیست و توبی (اطلاعی). خداوند تو را زنده نگه دارد و تو را پناه دهد. عصام گفت: در این هنگام، زهرا با همه وسعت آن برای من تنگ شد و دوست داشتم مرا در خود فرو برد. آنگاه از امام کمک و مشاوره گرفتم و اینک هر کس از او و پدرش در روی زهرا برای من محبوبتر نیست. (قرطبی، 1405ق، 7/350)

2. جعفر بن عون از مشعر از راوی نقل می‌کند: «ان الحسن بن علی کان یجلس الی المساکین ثم یقول «انه لا حب المستکبر بن.»» (طبری، 1406ق، 14/94 ذیل نحل 23/)

خداوند فرمود - می‌و شد - می‌همنش من مسکینان با ایشان رساند - می‌را امام تواضع نهادت حدیث این مستکبرین را دوست ندارد.

3. درباره امام حسن 7 نقل شده است که مردی به او گفت: مردم گمان می‌کنند که تو دچار کبر (تو) شده‌ای. امام فرمود «تو کبر نیست بلکه عزت است، و این آیه را خواند: «و لله المعزه و لرسوله و للمؤمنین.» (آلوسی، بی‌تا، 28/116) (منظورش از تو، کبر و غرور بود).

4. ابن ابی حاتم از امام حسن 7 روايت نموده که ایشان فرمود: هر چه شبی نیست مگر آنکه ندا دهنده ای فراد می‌زند: ای صاحبان خرد و بشتابید و بشتابید و بجمع کنید. و ای صاحبان شربس است، کم کنید. شخصی به حسن بن علی گفت آیه 111 را در کتاب خداوند افته ای؟ گفت: بله: خداوند به سوی سرای سلامت می‌خواند. «اللله دعوا الی دار السلام» (ونس/25) و گفت: برای ما گفته‌اند که در تورات نوشته شده: ای روندگان به سوی خرد بشتابید و ای صاحبان شربس است.

حسن امام از ابوالمشخخ ز [7] روایت نموده که هر گاه ایشان آیه را می‌خواند «والله دعوا الی دارالسلام» می‌گفتند: خداوند اَبک می‌گویم، سعادت و سلامت را برایم قرار بده. (المسوطی، 1403ق، 4/356)

لهم، الله رسول ابن له فقل. ثابته اجود لبس المصلاه الی قام اذا كان عنه الله رضی المسبب المحسن عن روی» [5].
تلبس اجود ثابته؟ فقال: ان الله تعالی جمیل وحب الجمال، فاتجمل لربی و هو قول: «خذوا زنتکم عند کل مسجد»، فاحب ان الملبس اجمل ثابته. [آلوسی، بی‌تا، 8/109]

حسن امام از [7] روایت شده که هر گاه برای نماز قدام می‌فرمود بهتر نلباسش را می‌پوشد. گفتند: ای فرزند رسول خدا چرا بهتر نلباست را می‌پوشی؟ گفت: ز را خداوند زبانت را دوست دارد، پس برای خدا می‌زبانم، ز را خدا فرمود: زنتها تان را هنگام نماز بگردان.

□

ب- آگاهی دادن به فضائل آیت

بیت اهل تربیت‌های-ش و از دیگر یکی □ □ : آنگاه نمودن مردم از فضائل و خواص آیت و تنبیه دادن آنها بدان است. به عنوان نمونه:

1. ابن ابی الدنادر کتاب المدعا و خطب در تاریخ خودش از امام حسن 7 روایت نموده‌اند که ایشان فرمود: من ضامن هستم که هر کس این دست‌آورد را بخواند خداوند او را از هر سلطان ظالم و هر شیطانی متجاوز و هر درنده ضرر رسان و هر دزد سرکش، حفظ نماید: آیه المکرسی، سه آیه از سوره اعراف (54، 55، 56) این ربکم الله الذی خلق السموات و الارض، ده آیه اول صافات و سه آیه از سوره المرجم (33، 34، 35) امشیر المجن ... و انتهای سوره حشر. (المسوطی، 1403ق، 3/471؛ المشوکانی، بی‌تا، 2/242)

2- امام حسن 7 الله مسسک ان و قوله الخلائق جمیع عن بها اکتفیت، تعالی الله کتاب فی وجدتها آیت ثلاث» □
بضر فلا کاشف له الا هو و ان ردک بخیر فلا راد لفضله... □» (المسوطی، 1403، 4/394 ذیل ونس/ 107) سه آیه است که از جمیع خلائق به آنها اکتفا نموده‌ام، و آن سخن خداوند تبارک و تعالی است که می‌فرماید: «انگر خداوند ضرری به تو رساند هیچ کس نمی‌تواند آن را برگرداند مگر خداوند. و اگر چیزی به تو دهد هیچ کس نمی‌تواند مانع آن شود.» □

3- طبرانی به سند خود از حسن بن علی 7 نقل نموده که ا 1 شان گفت: رسول خدا 6 فرموده اند: هر کس آ 4 المکرسی را پس از هر نمازش بخواند، تا نماز د 5 گزیش تحت حمایت خداوند خواهد بود. (المسوطی، همان، 2/6)

4- از امام حسن 7 روا 7 شده هر کس هنگام خروج از خانه در صبحگاه هفت مرتبه بگو ید: «حسبی الله لا اله الا هو علیه توکل و هو رب العرش العظیم»، آن روز مص یتی به او نمی رسد و نگرانی و اندوهی در آن شب او را فرا نگ یرد و آس یبی نب یند و غرق نشود. (آلوسی، بی تا، 11/53)

نتیجه گیری

سبب ن تفس یری روا 7 ات نقل 8 در منابع اهل سنت جلوه ای خاص دارد، چه آنکه ا ین دو امام همام - با شرا یت کاملاً متفاوت - به روش ها و گونه های مختلف، قرآن را تب ین نموده و چراغ راه پو یدگان حق و حقه ت شده اند.

دست آن تب ین به «قرآن به قرآن» ش یشه و به و آورده در نطق به را قرآن زمانی، همام امام دو آن ین از ده اند، گاهی به ین مصداق واقعی آ یت پرداخته و راه را بر تفکرات انحرافی می بندند. ا ین دو حجت خدا در مواجهه با کسانی که جو ید سنت نبوی هستند، کلام خود را مستند به سخن پ یمبر 6 نموده و گاه با احتجاج به آ یت قرآن و به ش یشه کلامی فرازمندی جا ینگاه عترت در کنار قرآن را به مردم اداور می شوند. یعنی همان حقیقتی که پیامبر بارها در حدیث ثقلین فرمودند.

عترت بدون قرآن داشت توجه باید اما، بینیم - می ایشان کلام در را قرآن به قرآن روش اندک مواردی در المبت ین نمی تواند فهم استقلالی داشته باشد، فهمی که مقصود خداوند باشد و انسان را در ورطه هلاکت نیفکند. فرقه های منحرفی چون خوارج که می گفتند کتاب خدا ما را کفایت می کند، بر این نکته پای می فشردند که نیازی به سنت و عترت نیست. آنان دچار قرآن گرایی افراطی شده، هم خود هلاک شدند وهم دیگران را به هلاکت افکندند. ضمن این که ثقل بودن اهل بیت و رسالت عظیم تبیین قرآن توسط عترت نیز این مسأله را رد می کند و با محل رجوع بودن اهل بیت و حدیث ثقلین نیز منافات تام دارد.

□

□

□

منابع

قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، قم، دارالمقرآن المکرّم.

1. المالموسی، ابوالفضل شهاب المد بن المسد محمود (بی-تا) روح المعانی، بروت، دار احاء التراث العربی.

2. ابن ابی الحداد (1387) شرح نهج البلاغه، تحقّق محمد ابوالفضل ابراهیم، القاهرة، دار احاء التراث العربی. 4 □ □ □ □ □ □

3. ابن تيمّم، تقي المد بن احمد (1392) مقدمه في اصول المتفسّر، بروت، مؤسسه الرساله.

4. ابن حجر المهيّم، احمد (بي-تا) المصواعق المحرّقه، بروت، دار المکتب العلمی 4.

5. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (بی-تا) فتح المباری فی شرح صحیح البخاری، بروت، دارالمعرفه.

6. مطالب العالمه بزوائد المسانيد الثمانه، تحقّق حبيب الرحمن الماعظمی، بروت، دارالمعرفه. (1993) -----

7. ابن سعد، (بی-تا) طبقات الکبری، بروت، دارالمفکر.

8. ابن صباغ المالکی، نورالمد بن (بی-تا) الفصول المهمه فی معرفه الائمة نجف المطبعه الحد در 4 □ □ □ □ □ □

9. ابن عطاء، 4، (1992م). تفسیر و المحرر الموجز، ب روت، دارالمکتب العلمیہ 4.
10. ابن کثیر، ابی المفداء اسماء ل (1403م)، تفسیر قرآن المعظم (تفسیر ابن کثیر)، ب روت، دارالمفکر.
11. اربلی، علی بن عیسی (1381ق) کشف المغمہ فی معرفہ الأئمہ، تبریز، انتشارات بنی‌ہاشمی.
12. اسفراہینی، شافور (1375) تفسیر و تاج المتراجم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
13. البغوی، ابو محمد الحسن بن مسعود، (1414ق). معالم التنزیل، ب روت دارالمکتب العلمیہ 4.
14. الترمذی، محمد بن عیسی بن سوره (1394) سنن (المجامع المصحح) ب روت، دارالمفکر.
15. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله (1342) مستدرک علی المصححین، ب روت، دارالمکتب العلمیہ 4.
16. الحسکانی، عبدالمطلب بن احمد الحنفی، (1393ق) شواهد التنزیل لقواعد التفسیر، تحقیر محمد باقر محمودی، ب روت، مؤسسہ الماعلمی للمطبوعات، المطبعہ الماولی.
17. المخزومی، ابو سعید (1361ش) شرف النبی المصطفی، طهران، بی‌جا.
18. ذہبی، شمس‌الدین محمد بن احمد بن عثمان (1409ق) تاریخ الاسلام و وفات المشاهیر و الاعلام، تحقیر عمر عبدالسلام تدمری، ب روت، دارالمکتب العربی.
19. رستمی، علی اکبر، (1380). آسب‌شناسی و روش‌شناسی تفسیر معصومان، چاپ دوم.

20. المزرقانی، عبدالمعظ م (1988م) مناهل المعرفان فی علوم القرآن، ب روت، دارالمفکر.

21. المزیندی، جمال الد بن محمد بن وسف (بی-تا) نظم در المسمط بن تحق ق هادی ام نی، طهران، مکتبه ذ نوی المجد ثه.

22. المزمخشری، محمود بن عمر بن محمد بن احمد (1361ق) المکشاف، ب روت، دارالمکتب العربی.

23. سبحانی جعفر (بی-تا) المناهج المنفس ر ه فی علوم القرآن، المطبعه المئانه، نشر مؤسسه الامام المصادق.

24. سبط ابن جوزی (بی-تا) تذکره الخواص، تحق ق المشخ ح سن تقی زاده، مؤسسه اهل البت.

25. سفی، علی اکبر (1386) دروس المنتمه د ه فی القواعد المنفس ر ه، قم، مؤسسه نشر اسلامی.

26. المسوطی، جلال الد بن عبدالرحمن (1371ق) تاریخ الخلفاء، مصر مطبعه السعاده.

27. ----- (1403ق). در الممنثور فی المنفس ر بالمأثور، المطبع الماولی ب روت، دارالمفکر.

28. ----- (بی-تا) الماتقان فی علوم القرآن، تحق ق محمد ابوالفضل ابراه م، منشورات المشر ف المرضی.

29. ----- (1410ق) لباب المنقول فی اسباب المنزول، تحق ق بدح المسد المحام، ب روت، دار المهجره.

30. المشاطی، ابراه م بن موسی (1395ق) المواقفات، لبنان، دارالمعرفه.

31. المشراوی، محمد بن عامر (1363ق) الماتحاف بحب الماشراف، قم، منشورات رضی.

32. المشبلنجی، مومن بن حسن (بی‌تا) نور المابصار فی مناقب آل بیت المنبی المختار، بروت، دارالمکتب العلمیة 4.

33. شاکر، محمد کاظم (1376). روش‌های تأویل قرآن، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه 4.

34. المشوکانی، محمد بن علی، (بی‌تا) فتح المقدر و الجامع بین المروا و المدراة فی علم التفسیر، اعمی به و سف المغوش، بروت، دارالمعرفه و دارالمکلم المطب.

35. المطباطبا، سید محمد حسنین (1393ق) المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالمکتب الاسلامیه 4. قم، انتشارات جامعه مدرسین.

36. المطبری، ابو جعفر محمد بن جریر، (1406ق) جامع البیان فی تأویل آی القرآن، بروت، دارالمعرفه.

37. ----- (بی‌تا) تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری) تحفه قی محمد ابوالفضل ابراهیم، بروت، دار احیاء التراث العربی.

38. المطوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن بن علی (1409ق) المتبیان فی تفسیر القرآن، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

39. المعک، شمس‌الدین خالد عبدالرحمن (1417ق) جامع اسباب نزول، کراچی، قدیمی کتابخانه.

40. علوی مهر، حسن، (1381ش) روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، قم، انتشارات اسوه.

41. المفخر رازی، محمد بن عمر بن حسن بن (بی‌تا) مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر) دار احیاء التراث العربی

42. قرشی، سید علی اکبر (1375) قاموس قرآن، چاپ هفتم، دارالمکتب الاسلامیه 4.

43. المقرطبی، ابو عبدالله بن احمد (1405) الجامع لاحکام القرآن. ب روت، دار احاء العربی.

44. المقندوزی الحنفی، ابراهیم (1422ق) نابج الموده لذوی القربی، تحق ق س د علی جمال اشرف المحسنی، قم، دار الماسوه.

45. الملکانی، محمد بن معقوب (1361) اصول کافی، قم، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، چاپ اسلامه 4.

46. المکنجی المشافعی، محمد بن وسف (1404ق) کفاه المطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، طهران، دار احاء تراث اهل البیت.

47. الممتقی المهندي، علاءالمدین (1405) کنز العمال فی السنن و الاقوال و الافعال، ب روت، مؤسسه المرساله.

48. محب المادین المطبری، احمد بن عبدالله (بی تا) ذخائر المعقبی فی مناقب ذوی القربی، ب روت، دارالمعرفه.

49. المجلسی، محمد باقر (1358ش) بحار الانوار، تهران مکتبه الاسلامه 4. و (1404ق) ب روت، مؤسسه الموفاء

50. المرانجی، احمد المصطفی (1998) تفسیر القرآن (تفسیر مرانجی) ب روت، دار المکتب العلم 4.

51. المظهري، المقاضی محمد ثناء الله (1425ق). تفسیر المظهري، تحق ق احمد غرو عناه، المطبعه الاولی ب روت، دارالملاحاء التراث العربی.

52. معرفت، محمد هادی (1385) تفسیر و مفسران، ترجمه علی خیاط، چاپ سوم، قم، مؤسسه المتمهید.

53. المقرزی، تقی المادین (1442ق) کتاب المنازع و المتخاصم ب ن بنی المادیه و بنی هاشم، تحق ق دکتور حسن

مونس، قم، المشرق المرصی.

54. مودب س د رضا، (1380). روش‌های تفسیر قرآن، دانشگاه قم، انتشارات اشراق.

55. مودب س د رضا (1386) مبانی تفسیر قرآن، قم، انتشارات دانشگاه قم.

56. م رباقری، س د محسن (1380). ظاهر قرآن و باطن قرآن، تهران، انتشارات را زن.

57. الموهبه المزیح لمی، (1991م) تفسیر الممنزرفی المعقده و المشرعه و الممنهج، دمشق، دارالفکر.

58. المه شمی، نورالدین (1417) مجمع المزوائد و منهج المفوائد؛ روت، دار المکتب العربی.